

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران: از طرد توسعه تا معنابخشی‌های متفاوت به آن

غلامرضا جمشیدیها* و حمزه نوذری**

تاریخ دریافت: ۲۰ مرداد ۱۳۹۲

تاریخ پذیرش: ۲۶ مهر ۱۳۹۳

چکیده

مقاله حاضر تلاش می‌کند سیر تحول در معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران را بررسی نماید. در این مقاله از نظریه گفتمان لاکلا و موفه و از تحلیل گفتمان به عنوان روش تحقیق استفاده شده است. این پژوهش جریان کشمکش بر سر تثبیت معنای توسعه را تحلیل نموده است. تحلیل گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب نشان می‌دهد که هر گفتمان توسعه از مفصل‌بندی چند دال شناور حول یک دال مرکزی تشکیل شده است. نگرش به توسعه در گفتمان‌های پس از انقلاب متنوع است و خصیلتی کاملاً تخصیص‌آمیز دارد. بنابراین خصیلت انکارنشدنی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی، تخصیص‌آمیز بودن آن‌هاست، به طوری که منازعه عنصر تعیین‌کننده توسعه بوده است. منازعه میان گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که نمی‌توان اصول ناب و دقیقی برای توسعه ترسیم کرد که به زایش یک برداشت خاص از توسعه منجر شود. در قلمرو توسعه پس از انقلاب اسلامی، هویت مایی و آن‌هایی شکل گرفته است؛ مایی و آن‌هایی که کاملاً خصیلت طرد و کنارگذاری دارند

کلید واژه: توسعه، گفتمان، تحلیل گفتمانی، مفصل‌بندی، دال و مدلول، تخصیص.

* دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. gjamshidi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه. nozari56@gmail.com

این مقاله برگرفته از رساله دکتری جامعه‌شناسی با عنوان گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران است.

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb **Director:** Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

بحث از توسعه در میان مباحث متعددی که در چند دهه اخیر در حوزه علوم اجتماعی مطرح شده، از گستردگی و اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۱). علاوه بر این توسعه در ایران از جنبه‌های گوناگونی بررسی شده است، اما هم‌چنان برخی از ابعاد مبهم آن تأمل‌برانگیز است. این تحقیق بر آن است تا توسعه را از زاویه‌ای متفاوت بنگرد: گفتمان و تحلیل گفتمان. در آغاز سؤالاتی مطرح است: میان توسعه و گفتمان چه رابطه‌ای وجود دارد و چگونه از طریق تحلیل گفتمان می‌توان تحولات توسعه در ایران را دنبال کرد. به عبارتی آیا می‌توان توسعه و گفتمان را با هم در نظر گرفت؟

تلاش نظری پساساختارگرایان و تحولاتی که در معنا و مفهوم توسعه صورت گرفته باعث شده است که: ۱- توسعه به معنای روندی انباشتی، تجمیعی و تک‌خطی تصور نشود. ۲- از اصول ثابت و مشخص توسعه، که بتوان بر سر آن به اجماع رسید، ساختارشکنی شود، به عبارتی امروزه می‌توان به رابطه میان گفتمان و توسعه اندیشید.

هرچند هدف توسعه بهبود شرایط زندگی مردم است (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۲۳۱)، اما به‌طور کلی پس از انقلاب اسلامی دو دیدگاه در قلمرو توسعه از نفوذ فراوانی برخوردار بوده است. نخست، دیدگاهی که استدلال می‌کند توسعه پس از انقلاب روندی انباشتی و تجمیعی داشته است، ایران پس از انقلاب در مسیر توسعه قرار داشته و حوادث، اتفاقات و رویدادهای این چند دهه مانع دستیابی ایران به توسعه نبوده است. بنابراین پیشرفت بزرگی پس از انقلاب رخ داده است و ما باید قدردان این پیشرفت‌ها باشیم.

می‌توان گفت مسیر حرکت دولت‌های بعد از انقلاب، یک حرکت پویا و پیش‌رونده بوده است و لذا پس از انقلاب، اگرچه ممکن است موانعی از جمله جنگ تحمیلی و فقدان یکپارچگی در حاکمیت ایجاد شده باشد، همچنان دولت‌ها و نظام انقلابی در مسیر تبدیل شدن به هژمونی برتر در منطقه و جهان هستند (حسین‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

این دیدگاه برای استدلال خود به نمونه‌هایی از پیشرفت ایران در زمینه‌هایی همچون نانو فناوری، هسته‌ای، دستاوردهای فنی و مهندسی و موضوعاتی از این دست استناد می‌کنند. توسعه براساس چنین

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

دیدگاهی مترادف با عقلانیت ابزاری تعریف می‌شود. این دیدگاه در میان مسئولان و مدیران رواج بیشتری دارد و انعکاس آن در رسانه‌ها به چشم می‌خورد.

دیدگاه دوم، توسعه را دارای اصول عام و عقلانی می‌پندارد که می‌توان با اجماع بر سر این اصول به توسعه دست یافت. بنابراین امکان اجماع عقلانی عام و جهانشمول در قلمرو توسعه وجود دارد و می‌توان در توسعه به توافق عقلانی دست یافت. عقلانیت باوری و اجماع، دال‌های اصلی این دیدگاه هستند. تاکید استدلال فوق بر راه و روشی است که کشورهای توسعه یافته در طول چندین سال گذشته پیموده‌اند. از این منظر توسعه مسیرهای علمی و عقلانی روشنی دارد.

دو دیدگاه نگاه خوشبینان‌های به تحولات توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران دارند. به نحوی که تخاصم و تضاد بر سر معنا و استراتژی‌های توسعه را در نظر نمی‌گیرند. استدلال این مقاله این است که تبیین تحولات توسعه پس از انقلاب اسلامی، بر مبنای دو رهیافت بالا، خطاست، چرا که واقعیت منازعه‌آمیز مفهوم توسعه را در نظر نمی‌گیرند.

توسعه مسأله اصلی و محل نزاع گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران بوده است. بعد از انقلاب اسلامی، در قلمرو توسعه، همیشه ما و آن‌های متضادی وجود داشته است. در این مقاله به این مسأله می‌پردازیم که بعد منازعه‌آمیز توسعه را باید در تحلیل و تبیین توسعه لحاظ کرد، زیرا شرط ضروری برای فهم تحولات توسعه است. آنچه در چند دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران در خصوص توسعه جلب توجه می‌کند، رقابت گفتمان‌های مختلف در باب معنا و مفهوم توسعه است. هریک از این گفتمان‌ها در نزاع با دیگری سعی داشته است تا توسعه و واقعیت‌های آن را به گونه‌ای دیگر تعریف و خط مشی متفاوتی برای عمل اجتماعی ارائه کند. بر این اساس سؤالاتی که در این خصوص مطرح می‌شوند عبارتند از:

پس از انقلاب اسلامی ایران و به‌طور مشخص از اواخر دهه شصت (دوران پس از جنگ تحمیلی هشت‌ساله) تاکنون، هر کدام از گفتمان‌های توسعه در ایران چه نظام معنایی را تشکیل داده‌اند؟ گفتمان‌های مذکور چه معنایی از توسعه را برجسته و چه معنایی را طرد کرده‌اند و نزاع معنایی میان آن‌ها چگونه بوده است؟

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

چارچوب نظری

از نظر لاکلا و موفه هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. اعمال و گفتار پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاصی قرار گیرند» (لاکلا، ۱۹۹۲: ۱). یکی از مباحث مهم و محوری در تحلیل گفتمان، مسئله انتساب معناست. معنای واژه‌ها از گفتمانی به گفتمان دیگر با هم فرق دارند و حتی از جایی که زبان به اصطلاح مشترک نیز وجود داشته باشد، گفتمان‌های متعارض و متضاد سر بر می‌آورند. پشو با بحث در این خصوص معتقد است که «این زبان نیست که معنای واژه‌ها و عبارات موجود در گفتمان‌ها را تعیین می‌کند. در واقع معنابخشی از حوزه گفتمان می‌باشد» (پشو، ۱۹۸۲: ۱۸۵). معنای اشیاء رخدادها و پدیده‌ها در گفتمان‌های مخالف، متفاوت است و چه بسا معنای یک پدیده در دو گفتمان کاملاً خصمانه و آشتی‌ناپذیر باشد. به‌طور کلی معنا «به گونه‌ای تعارض‌آمیز و در جریانی مناسبتی مبتنی بر تضادهای آشتی‌ناپذیر وجود دارد» (مک‌دانل، ۱۳۸۰: ۱۱۶). بر این اساس «گروه‌ها و هویت‌هایی که وجود دارند همیشه در فرایندهای گفتمانی خلق می‌شوند» (فیلیس و یورگنسن، ۲۰۰۲: ۳۳).

نظریه گفتمان لاکلا و موفه تلاشی است برای نشان دادن فرایندی که معنای نشانه‌ها به‌طور موقت و کاملاً تصادفی تثبیت می‌شوند، موقتاً هژمونیک می‌شوند و دوباره ساخت‌شکنی (واسازی) می‌شوند. لاکلا و موفه از مفاهیم زیادی برای تبیین نظریه خود بهره برده‌اند که اگر چه فهم نظریه آن‌ها را دشوار می‌کند، محققین می‌توانند از این مفاهیم متعدد برای شناسایی گفتمان‌های حاکم بهره ببرند. مفهوم گفتمان: لاکلا و موفه به کمک مفهوم رابطه‌ای بودن نشانه‌ها در یک نظام زبانی، نظریه گفتمان خود را ارائه کرده‌اند. این دو در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی می‌نویسند: «ما هر عملی را که منجر به رابطه‌ای بین مؤلفه‌ها شود، به نحوی که هویت آن‌ها در نتیجه چنین عملی دستخوش تغییر شود، مفصل‌بندی می‌نامیم. کلیت ساختاریافته حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامیم. مواضع مبتنی بر تفاوت زمانی که در قالب یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشند، وقته می‌نامیم، در مقابل، هر تفاوتی که به شکل گفتمانی مفصل‌بندی نشده باشد، عنصر می‌نامیم» (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵).

در پاراگراف فوق لاکلا و موفه چهار مفهوم مهم نظریه خود را تعریف کرده‌اند:

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb **Director:** Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh **Index:** www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 **Website:** www.jrd.ut.ac.ir **Email:** jrd@ut.ac.ir

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

از نظر لاکلا و موفه مفصل‌بندی کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها و... چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که معنا و هویت سابق آن‌ها تغییر می‌کند به طوری که آن‌ها معنا و هویتی جدید می‌یابند. از این‌رو هویت گفتمان نیز از طریق عمل مفصل‌بندی و شکل‌گیری معنا و هویت جدید عناصر شکل می‌گیرد. در واقع گفتمان پیکره نظام‌مندی است که از مفصل‌بندی عناصر و مفاهیم مرتبط حاصل می‌شود. به عبارت دیگر از نظر آن‌ها گفتمان حوزه‌ای است که مجموعه‌ای از نشانه‌ها، عناصر و مفاهیم در آنجا به صورت شبکه‌ای مرتبط به هم در می‌آیند و معنایی جدید می‌یابند. هر نشان‌های که در این شبکه وارد شود و در ارتباط با مفاهیم یا نشانه‌های دیگر قرار گیرد و معنایی جدید یابد، و گفته است. به عبارتی دال‌هایی که حول دال مرکزی گرد هم می‌آیند، و گفته نامیده می‌شوند. یک وقت پیش از ورود به مفصل‌بندی گفتمانی، عنصر نامیده می‌شود.

دال مرکزی (گره‌گاه): معنای نشانه‌های درون یک گفتمان، حول یک دال مرکزی به شکل موقتی تثبیت می‌شود. دال مرکزی به نماد یا مفهومی که سایر مفاهیم و نمادها حول آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، گفته می‌شود. دال مرکزی به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد. به عبارتی هسته مرکزی گفتمان، دال مرکزی آن است که انسجام معنایی هر گفتمان حول آن حاصل می‌شود. «یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه یا دال مرکزی خاصی، شکل می‌گیرد» (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۱۲).

لاکلا و موفه عناصری را که به روی انتساب معانی گوناگون بازند دال شناور می‌نامند (لاکلا و موفه، ۱۹۹۰: ۲۸). هر گفتمان براساس نظام معنایی خود، مدلول سازگار با این نظام معنایی را به دال مدل نظر خود می‌چسباند و مدلول‌های دیگر را به حوزه گفتمان‌گونگی (میدان گفتمان) می‌فرستد. بنابراین دال شناور به کشمکش و تخصم میان گفتمان‌های مختلف برای تثبیت معانی مدنظر خود، اشاره دارد.

دال خالی: لاکلا (۱۹۹۴: ۴۹) معتقد است وظیفه دال‌های خالی بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است. از آنجا که این دال‌ها همواره نواقص را گوشزد می‌کنند، تولید آن‌ها سبب پویایی جامعه خواهد شد. به عبارتی دال‌های خالی باعث خلق اسطوره‌های جدیدند به نحوی که گفتمان جدید حول دال

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

خالی گفتمان رقیب شکل می‌گیرد و این دال خالی در جایگاه دال مرکزی می‌نشیند. بنابراین دال‌های خالی زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان‌های رقیب در یک قلمرو به وجود می‌آورند.

حوزه گفتمان‌گونگی (میدان گفتمان): گفتیم که در نظریه ساخت‌گرایی و پساساختارگرایی هر نشانه ممکن است چندین معنا داشته باشد، هر گفتمان یکی از این معانی را بر حسب هم‌خوانی با نظام معنایی خود تثبیت و مابقی معانی را طرد می‌کند. سایر معانی که از گفتمان خاص طرد شده‌اند، حوزه گفتمان‌گونگی (میدان گفتمان) نامیده می‌شوند که با هدف ایجاد یکدستی معنایی در یک گفتمان انجام می‌شود (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۱۱). به اعتقاد یورگنسن و فیلیپس هر گفتمان همواره براساس رابطه‌اش با آنچه طرد شده، یعنی رابطه با حوزه گفتمان‌گونگی (میدان گفتمان) ساخته می‌شود. به همین دلیل گفتمان همواره در رابطه با آنچه خارج از آن قرار دارد، ساخته شده است و همواره در معرض این خطر قرار دارد که همان‌ها تضعیفش کنند.

انسداد یا بست: زمانی که عنصر به وقته تبدیل می‌شود، یعنی وارد مفصل‌بندی گفتمانی می‌شود از حالت چند معنایی خارج و معنایی ثابت، هر چند موقت، به خود می‌گیرد. مفهوم انسداد یا بست به همان تثبیت معنای نشانه‌ها اشاره دارد. لاکلا و موفه معتقدند، گفتمان یک انسداد یا بست ایجاد می‌کند، یعنی توقف موقت در تعدد معنای نشانه‌های یک گفتمان. اما انتقال از عنصر به وقته هرگز همیشگی نیست (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۱۰). بنابراین انسداد معنی و تثبیت آن به جهت کثرت معانی در حوزه گفتمان‌گونگی (میدان گفتمان) دائمی نیست.

اکنون می‌توانیم مفاهیم نظریه لاکلا و موفه را تا اینجا به یکدیگر ارتباط دهیم. گفتمان از طریق انسداد (بست) عناصر را تبدیل به وقته می‌کند و بدین ترتیب عناصر را از چند معنایی به یک معنا تبدیل می‌کند. اما انسداد هیچ‌گاه کامل نیست، بلکه موقتی است، زیرا معانی ممکن برای یک دال که به حوزه گفتمان‌گونگی (میدان گفتمان) فرستاده شده‌اند همواره انسداد معنا را تهدید می‌کنند. بنابراین گفتمان‌های دیگر از طریق انسداد معنا به شیوه‌ای دیگر، گفتمان‌های حاکم را به چالش می‌کشند.

با تاسی از نظریه لاکلا و موفه می‌توان گفت، توسعه پس از انقلاب اسلامی عبارت است از نزاع‌های معنایی (به کارگیری برخی معانی و طرد برخی دیگر). بنابراین واقعیت توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران، عدم قطعیت معنای توسعه است. به این معنا، توسعه امری سیاسی است و با قدرت

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

پیوند خورده است، اما قدرت و سیاست در نظریه لاکلا و موفه تعریف خاص خود را دارد. از منظر لاکلا و موفه قدرت عبارت است از قدرت تعریف کرن و تحمیل این تعریف بر هر آنچه آن را نفی می‌کند (لاکلا، ۱۹۹۰).

هژمونی و تثبیت معنا: لاکلا و موفه از انعطاف‌پذیری رابطه میان دال و مدلول استفاده می‌کنند و آن را به مفهوم هژمونی پیوند می‌دهند. یعنی اگر بر سر معنایی خاص برای یک دال در جامعه اجماع حاصل شود، به عبارت دیگر افکار عمومی معنایی مشخص برای یک دال، هر چند به‌طور موقت بپذیرد و تثبیت کند، آن دال هژمونیک می‌شود. با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان، کل آن گفتمان هژمونیک می‌شود. در واقع هژمونی به کمک تثبیت معنا حاصل می‌شود. در حقیقت تثبیت موقت معانی و هویت‌ها اصلی‌ترین کارکرد هژمونی در گفتمان لاکلا و موفه است. به شکلی که غایت یک گفتمان دست‌یابی به هژمونی است و این به کمک تثبیت معنا ممکن می‌شود.

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی-ضدیت و غیریت: فهم نظریه گفتمان بدون مفهوم ضدیت و غیریت ناممکن است. گفتمان‌ها اساساً در ضدیت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان دیگر امکان‌پذیر است. از این‌رو گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند. بدین ترتیب گفتمان‌ها نه در انزوا بلکه در ارتباط و اغلب در تقابل و تعارض با مجموعه دیگری از پاره‌گفتارها شکل می‌گیرند (میلز، ۱۳۸۲: ۱۹).

از نظر لاکلا و موفه لازمه تثبیت یک نشانه در درون گفتمان، برجسته‌سازی معنای مورد نظر و به حاشیه‌رانی سایر معناهاست. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت است به این معنا که گفتمان‌ها از طریق این سازوکار به تولید معنا می‌پردازند و هم‌غیر را حذف و طرد می‌کنند. بنابراین غیریت‌سازی‌ها جایی یافت می‌شوند که گفتمان‌ها با هم برخورد می‌کنند (هوارث، ۱۳۷۹: ۱۶۵). ایجاد هر هویتی نیازمند برقراری تفاوت است، ما هویت خود را از طریق تفکیک خودمان و دیگران ایجاد و حفظ می‌کنیم. درخصوص جمعی نیز تفکیک من و دیگری به تفاوت ما و آن‌ها بدل می‌شود. هرگاه دیگری متفاوت به نافی و تهدید کننده هویت ما بدل شود تمایز حالت آنتاگونیسمی به خود می‌گیرد» (موفه، ۱۹۹۷: ۳۸۶).

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

روش تحقیق

لاکلا و موفه پیش از هر چیزی دغدغه تدوین نظریه داشته‌اند و به همین جهت روش انضمامی برای تحلیل ارائه نکرده‌اند. به عبارتی آن‌ها با شرح و تفصیل به تحلیل داده‌های تجربی نپرداخته‌اند. اما این نکته بدان معنا نیست که نمی‌توان از نظریه این دو در تحلیل تجربی استفاده کرد. لاکلا و موفه مفاهیمی را معرفی کرده‌اند که می‌توان از آن‌ها به منزله ابزارهای تحلیل داده‌ها استفاده کرد. این مفاهیم عبارتند از:

- دال مرکزی، دال‌های اصلی، دال شناور، دال خالی.
- مفهوم زنجیره هم‌ارزی که در کنار دال‌های اصلی برای معنا بخشیدن به تفاوت‌ها استفاده می‌شود.
- مفاهیمی که مربوط به تحلیل کشمکش میان گفتمان‌ها است از جمله تخصم، هژمونی، برجسته‌سازی، به حاشیه‌رانی، ساختار شکنی.

بر این اساس می‌توان ابتدا، دال‌های اصلی هر گفتمان را شناسایی و دال مرکزی هر گفتمان را جستجو کرد، چرا که این دال مرکزی است که هر گفتمان را سازماندهی می‌کند. زمانی که دال‌های کلیدی شناسایی شدند، می‌توان به چگونگی سازمان یافتن معناها و هویت‌ها پی برد. همچنین با استفاده از مفاهیمی مانند برجسته‌سازی، به حاشیه‌رانی و ساختار شکنی به این نکته پی می‌بریم که گفتمان‌ها همواره در ارتباط و غالباً در تضاد با گفتمان‌های دیگر شکل می‌گیرند. برای نمونه، غرب در تقابل با سایر بخش‌های جهان قرار دارد، بخش‌هایی که عمدتاً رنگین پوست هستند، نه متمدن و دموکراتیک. لاکلا و موفه بر این اعتقادند که گفتمان‌ها هرگز به‌طور کامل ثبات پیدا نمی‌کنند و همیشه در معرض نزاع با یکدیگر قرار دارند، همین نکته را می‌توان به دستورالعملی روش‌شناختی تبدیل کرد، زیرا از دل داده‌ها می‌توان مشخص کرد که نزاع بر سر تثبیت معنا در کجا وجود دارد، هر یک از گفتمان‌ها چه برداشت متفاوتی از واقعیت توسعه مطرح می‌کنند، در کجا در تخصم با یکدیگر قرار دارند و هژمونیک شدن هر یک چه پیامدهای اجتماعی به دنبال دارد؟

بنابراین از دل الگوی نظری لاکلا و موفه می‌توان مفاهیم تحلیلی متعددی را جستجو کرد که برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های تحقیق کفایت می‌کنند. بنابراین می‌توان پاسخ به چنین سؤال‌هایی را در

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

مفاهیم نظریه لاکلا و موفه جستجو کرد: چه گفتمان‌هایی در یک قلمرو واحد حاکم‌اند؟ هر گفتمان چه معنایی را انتخاب و چه معنایی را طرد کرده است؟ دال مرکزی گفتمان‌ها که سایر دال‌ها حول آن سازمان یافته‌اند و معنایشان را از رابطه با آن می‌گیرند، کدام‌اند؟ آیا گفتمان‌های مختلف دال مرکزی متفاوتی داشته یا صرفاً برداشت‌هایی مختلفی از یک نشانه دارند؟ آیا کشمکش بر سر تثبیت معنا میان گفتمان‌ها وجود دارد؟ چه معانی‌ای در گفتمان‌ها بدیهی انگاشته شده و چه هویت‌هایی در هر گفتمان بر ساخته شده است؟

شیوه گردآوری و نوع داده‌ها

پژوهش‌گران تحلیل گفتمان با استفاده از مفاهیم لاکلا و موفه این امکان را پیدا می‌کنند که در میان داده‌های تجربی درباره عملکرد گفتمان‌ها کندوکاو کنند. برای بررسی معنا و مفهوم توسعه در گفتمان‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی، با انبوهی از رویدادها و متون روبه‌رو هستیم. در این پژوهش داده‌ها را از گزاره‌های شفاهی و نوشتاری کارشناسان و رؤسای جمهور پس از جنگ تحمیلی انتخاب کرده‌ایم. بنابراین داده‌های تجربی ما در این مقاله مربوط به متون کارشناسان و سخنرانی‌های رؤسای جمهور است. به جهت حجم و تعداد زیاد، برخی از سخنرانی‌هایی را که دارای ویژگی‌های زیر بودند، انتخاب کردیم (هرچند که اعتقاد داریم اغلب سخنرانی‌های رؤسای جمهور جنبه توسعه‌ای دارند و مربوط به چگونگی پیشرفت کشور هستند):

- توسعه‌ای بودن مضامین و محورهای آن،

- میزان تکرار موضوعات توسعه،

- تأکید صریح بر مضمون توسعه.

تحلیل داده‌ها

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مفهوم توسعه و مفاهیم و مؤلفه‌هایی که به‌نوعی به آن مربوط می‌شد، گویی از کشور نقل مکان کرد یا در افکار برخی کارشناسان محبوس شد. در واقع،

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

وابستگی به ارزش‌های سیاسی و اجتماعی و مذهبی نظام جدید بر همه چیز برتری داشت و ویژگی‌های دیگر را تحت تأثیر قرار داده بود. «در اوایل انقلاب، جو مبارزه و انقلاب و به اصطلاح امروز، جو ایدئولوژیک حاکم بود و کمتر کسی به جنبه‌های کارشناسی واقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی و عدد و رقم توجه داشت» (سحابی، ۱۳۸۵: ۱۰). نظام جدید بعد از انقلاب، نهادهای اقتصادی و توسعه‌ای را تصاحب کرد و برای کارکردهای خاص خود به خدمت گرفت. در حقیقت، نظام اجتماعی جدید هنجارها و سازوکارهای توسعه قبل از خود را به کناری نهاد و حقیقت را به گونه‌ای دیگر تعبیر کرد. نهادی مانند سازمان برنامه و بودجه به محاق رفت و سایر نهادها مانند بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و... در فضای اجتماعی جدید کارکرد متفاوتی پیدا کردند. در حقیقت، سازمان‌های توسعه‌ای که از قبل در کشور بودند، متهم شدند که به اقتصاد مدرن غربی گرایش دارند. «وجه بارز این مسأله را در تعطیلی سازمان برنامه و بودجه در زمان مدیریت آقای خیر مشاهده می‌کنیم، وقتی که یک سازمان را به کلی تعطیل می‌کنند، فرض بر این است که نبود آن بهتر از بودنش است. این نوع نگاه ناشی از این تحلیل بود که حرکت‌هایی که در رژیم گذشته صورت گرفته است، توسط سازمان برنامه و بوجه طراحی شده بود» (نیلی، ۱۳۸۵: ۲۳۷). در این زمان، طرد توسعه و سازمان‌های مربوط به آن یک حرکت انقلابی تلقی می‌شد.

«متأسفانه من از برخی مسئولان آن دوران می‌شنیدم که می‌گفتند سازمان برنامه را آمریکایی‌ها درست کردند، بنابراین نمی‌شود به چنین دستگامی تکیه کرد» (نجفی، ۱۳۸۵: ۳۶۵). «علاوه بر این، بی‌اعتمادی عمیقی نسبت به کارشناسان توسعه و اقتصاد وجود داشت که مانع از هر کار کارشناسی در این زمینه بود» (نیلی، ۱۳۸۵: ۲۶۵).

در این دهه، هرآنچه با توسعه به معنای رشد اقتصادی پیوند داشت، مانند بخش خصوصی، انباشت سرمایه، سرمایه‌دار، برنامه‌ریزی، بازار آزاد و مفاهیمی از این دست نابهنجار تلقی و از ادبیات گفتاری و کرداری حذف شدند. توسعه هم مطرود و مردود بود. سازوکارهای آن نه تنها وجود نداشت، بلکه حق وجود داشتن هم نداشت. در این دوره، اقتصاد مطرح می‌شود، اما نه با سازوکارهای علمی آن (به معنی آنچه که از اواخر دهه شصت پدید آمد)، بلکه اقتصاد در قلمرو توزیع، معنی پیدا می‌کند. طرح سؤال‌هایی درباره توسعه و افزایش ثروت از طریق سازوکارهایی مانند بازار و خصوصی‌سازی

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

و... بی‌فایده تلقی می‌شد. «در واقع، تمرکز بیشتر روی قیمت‌گذاری کالا و خدمات و شیوه اداره کوپنی اقتصاد و کنترل قیمت‌ها و توزیع بود» (روغنی زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۵۰). برای مثال، توسعه اقتصادی که پیرامون رشد اقتصادی و تولید سازماندهی شده است، بی‌فایده تلقی می‌شد. شاید در این دوره، مفاهیم اقتصادی کاملاً نادیده گرفته نشدند، اما در خدمت ارزش‌های انقلاب قرار گرفته و دچار تغییرات بنیادینی از لحاظ مصداق شدند.

به مدت یک دهه، توسعه و مفاهیم مرتبط به آن همچون سود و درآمد یک مشکل اخلاقی به حساب می‌آمد، چرا که با نظام ارزشی آن زمان در تضاد قرار داشت. به عبارتی درهم آمیختگی برخی مفاهیم اقتصادی در ارزش‌های انقلابی، شکل‌گیری اقتصاد را بر مبنای آنچه در آن زمان در دنیا مطرح بود، غیر ممکن ساخته بود. برخی مفاهیم در معنایی کاملاً خاص و ویژه به کار رفته و برخی دیگر بی‌فایده تلقی می‌شدند. نقل قول‌های زیر گویای چنین موضوعی‌اند:

«چالش بسیار بزرگی برای کارشناسان در دهه اول انقلاب به وجود آمد. آن‌ها به یک‌باره با تفکری مواجه شدند که معتقد بود برنامه‌ریزی خلاف توکل و اراده خداوند است» (نیلی، ۱۳۸۵: ۲۴۲). «یک واقعیت انکار ناپذیری است که متأسفانه وجود داشته است. این سخنان و دیگر سخنانی از این نوع، بارها در هیئت دولت مطرح بود. استدلال این بود که اگر دولت اسلامی به دنبال یک برنامه‌ریزی اقتصادی باشد که براساس آن منابع درآمدی خود را حساب کند تا چگونگی هزینه کردن آن‌ها را هم ببیند، برخلاف آیه قرآن و اسلام عمل کرده است، این اقدام بر خلاف توکل است و خداوند اگر بخواهد از نظر اقتصادی به ملتی کمک کند، آن کمک از مجاری و راه‌هایی خواهد بود که آن‌ها هرگز تصورش را نمی‌کنند» (نجفی، ۱۳۸۵: ۳۶۲).

«در آن زمان بهره‌وری به معنای استثمار کردن دیگران تلقی می‌شد، پس امری مذموم به شمار می‌رود» (نجفی، ۱۳۸۵: ۳۵۹).

«اصلی‌ترین مسئله‌ای که هر حکومتی در ابتدای تأسیس با آن مواجه است، برای دولت‌بان ایران مطرح نبود. چگونگی انباشت سرمایه برای رشد و توسعه اقتصادی در کشور ما مطرح نبود» (نیلی، ۱۳۸۵: ۲۴۸).

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

آیا در چند سال ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی که با طرد توسعه -در معنای رایج آن زمان- همراه بود به راستی از مفهوم توسعه و سازوکارهای آن برای سامان‌دهی جامعه رها شده‌ایم؟ پاسخ داده می‌شود به هیچ وجه. زمزمه‌هایی از اواسط دهه شصت درباره سودمندی توسعه و سازوکارهای اقتصادی شروع شد، به نحوی که پس از جنگ هشت‌ساله، توسعه و اقتصاد قدرتی مجدد به دست آوردند، به گونه‌ای که چنین وانمود شد که نمی‌توان از توسعه رهایی یافت، مگر به بهایی گزاف. بهایی مانند کسری بودجه عظیم دولت، از دست رفتن رشد اقتصادی، کمبود منابع، تورم، بیکاری و به‌طور کلی ورشکستگی اقتصادی. در واقع، توسعه و سازوکارهای اقتصادی مربوط به آن قدرت مجددی به دست آوردند. از همین دوران بود که مفاهیم توسعه، اقتصاد بازار آزاد، سرمایه، انباشت سرمایه، بخش خصوصی، بهره‌وری و مفاهیمی از این دست که سازوکارهای مهم پیشرفت کشور تلقی می‌شدند، مورد توجه دوباره قرار گرفتند. بی‌فایده‌گی نظام بدون توسعه و سازوکارهای اقتصادی خیلی زود آشکار شد. «در کشور ما طی دوازده سال بعد از انقلاب تا سال ۱۳۶۸، بینش‌های ضد توسعه‌ای چندی حاکم بود که در مجموع، تولید و رشد اقتصادی اجتماعی را کاهش داد» (سحابی، ۱۳۷۹: ۵۵). به‌طور اساسی، بدین گونه توضیح داده می‌شد که اداره جامعه بدون سازوکارهای اقتصادی مانند ایجاد انگیزه اقتصادی، تولید و رشد اقتصادی به معنای نابودی آن است. سازوکارهای اقتصادی، برخلاف گذشته، مشروعیتی تمام نزد مدیران و رهبران سیاسی پیدا می‌کند و در دستور کار قرار می‌گیرد به عنوان مثال، کمیابی منابع، مفهومی کم اهمیت بود، چون اعتقاد بدین شکل بود که خداوند معیشت انسان را تأمین می‌کند و آنچه برای نیاز انسان لازم و ضروری است در طبیعت وجود دارد. بنابراین مهم این است که دولت صالحی باشد تا منابع را به ارزانی و تساوی در اختیار محرومان و مستضعفان قرار دهد. در کل، کمبود منابع مسأله اصلی و اساسی تلقی نمی‌شود، اما یک دهه بعد، این چارچوب معکوس شد. منابع اقتصادی کمیاب تلقی شد. به‌طوری‌که با توزیع این منابع، جامعه دچار مشکل اقتصادی می‌شود. پس تحت آن چیزی که در علم اقتصاد رشد محور مطرح است، باید به تولید ثروت روی آورد. بنابراین پس از دهه اول انقلاب، کمیابی منابع و ثروت ارکانی اساسی تلقی شدند، البته عقیده بر این بود که ثروت را می‌توان با سازوکارهای اقتصادی افزایش داد. بنابراین در گفتمان جدید، مسأله کمیابی منابع مورد توجه جدی قرار گرفت و حل این مشکل به واسطه حاکم شدن سازوکارهای اقتصادی ممکن

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

گشت. در این جا رویکردی که در آن جامعه بر اساس عقلانیت باید پیش رود، هژمونیک شد. نهاد سازمان برنامه و بودجه مصداق این عقلانیت بود که دوباره قدرت گرفت. قدرت این نهاد نه فقط مانند اوایل انقلاب در تصویب و توزیع منابع که در بخش کارشناسی بود. گفتمان جدید رشد اقتصادی را نقطه کانونی خود قرار داد و از نو مفاهیم اقتصادی کنار گذاشته شده را در کنار هم مفصل‌بندی کرد. گفتمان رشد نولیبرالی^۱، با شور و حرارت، اقتصاد را محور قرار داد و خواستار تغییر و اصلاح دوره قبلی شد. گفتمان جدید با پرده‌برداری از واقعیت‌های اقتصادی و واژگونی سازوکارهای قبلی، بشارت روزگاری دیگر می‌داد که در آن از رهگذر رشد اقتصادی، جامعه‌ای توسعه‌یافته شکل خواهد گرفت. گفتمان توسعه‌ای جدید سازوکارهای نظم قبل از خود (دهه اول انقلاب اسلامی) را به باد انتقاد گرفت و از امر واقع به جای امر آرمانی در حوزه توسعه سخن گفت. این بار جامعه تحت تأثیر گفتمان توسعه‌ای قرار گرفت که متعهد بود سازوکارهای فراموش شده اقتصادی را احیا و آینده را قابل پیش‌بینی می‌کند. در این زمان، توزیع منابع از رهگذر سازوکارهای اقتصادی نولیبرالی جای خود را به رشد اقتصادی داد.

بعد از دهه اول انقلاب، هر آنچه جلوه‌ای از توسعه نداشت، منفی تلقی گردید و چنین پنداشته می‌شد که هر اقدامی بی‌مهر توسعه، کشور را با مشکل مواجه می‌سازد، بنابراین امری غیر قابل بخشش به شمار می‌رفت. این گونه بود که توسعه قطعیتی تمام یافت و نشانه‌های آن در عرصه‌های مختلف اقتصادی بروز کرد. مهم‌ترین این نشانه‌ها تدوین برنامه پنج‌ساله توسعه بود که بعد از یک دهه تعلیق، احیا شد. از زمانی که گفتمان جدید، توسعه را محور خود قرار داد و رشد اقتصادی را پایه و اساس

۱ ما در این پژوهش دو گفتمان را با پسوند نولیبرالی مشخص کرده‌ایم چرا که هر دوی این گفتمان‌ها بر اصلاح قیمت‌ها تاکید بسیار زیادی داشته و ادعا کردند از طریق اصلاح قیمت‌ها نه تنها می‌توان مسائل بنیادی و ساختاری اقتصاد کشور را حل کرد، بلکه با استفاده از آن ایران را می‌توان در ذیل کشورهای توسعه‌یافته جای داد. اصلاح یا به عبارتی افزایش یکباره و تصاعدی قیمت‌های ارز و انرژی در دو گفتمان فوق -اگرچه با اهداف متفاوت- باعث شده است این دو گفتمان را با پسوند نولیبرالی نام‌گذاری کنیم. در هر دو گفتمان، تلقی بر این بود که با آزادسازی قیمت ارز می‌توان کسری بودجه دولت یا همان بدهی دولت به بانک مرکزی را حل کرد. جالب آنکه همین آزادسازی‌ها و افزایش قیمت‌ها و کسری بودجه و به عبارتی اقتصاد پولی، زمینه ساختار شکنی از هر دو گفتمان را فراهم آورد. تصور کلی در گفتمان رشد نولیبرالی و گفتمان توزیع نولیبرالی این بود که با افزایش معنی‌دار در قیمت حامل‌های انرژی می‌توان ساختار اقتصادی معیوب کشور را سامان داد. در گفتمان رشد نولیبرالی تصور بر این بود که افزایش قیمت‌ها رشد اقتصادی را به دنبال دارد و در گفتمان توزیع نولیبرالی، افزایش قیمت منابع بیشتری را، جهت توزیع در میان اقشار مردم، در اختیار دولت قرار می‌دهد. بالاترین سطح افزایش قیمت‌ها در دو گفتمان فوق حادث شد و این افزایش نه تنها منشأ تحول مثبت در اقتصاد، آن‌گونه که اقتصاد پولی می‌پنداشت، نشد بلکه سایر عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی را با بحران مواجه ساخت. بازاری کردن جامعه و سپردن جامعه به بازار آزاد (آزادسازی قیمت‌ها) وجه بارز دو گفتمان رشد نولیبرالی و توزیع نولیبرالی است. همچنین در هر دو گفتمان مذکور دموکراسی و گسترش سازوکارهای جامعه مدنی طرد شده است.

ساماندهی جامعه دانست، فرایندی آغاز شد که کارشناسان اقتصادی هدایت‌گر آن شدند و استراتژی جدیدی را طراحی نمودند. بنابراین امر توسعه به اقتصاد محول شد، به طوری که تمام وقته‌های مفصل-بندی گفتمان جدید اقتصادی بودند. بنابراین می‌توان گفت معنای توسعه از اواسط دهه شصت تا اواسط دهه هفتاد، به معنای رشد اقتصادی بود. روشن است که در ابتدا، کارشناسان اقتصادی و گزارش‌های اقتصادی آن‌ها، از وضعیت اقتصادی کشور، بود که موضوعی تحت عنوان توسعه را احیا کرد. همان‌گونه که فوکو معتقد است «از درون اینهاست (خانواده، گروه‌های اجتماعی، اجتماعات مذهبی و نظایر اینها) که در وهله اول موضوع سر بر می‌آورد» (کچوئیان، ۱۳۸۲: ۶۹-۶۸). بنابراین درک و معنابخشی گروهی از اقتصاددانان از وضعیت موجود بود که با همراهی گروهی از سیاست-مداران، از جمله رئیس‌جمهور وقت، زمینه را برای بازگشت توسعه و سازوکارهای اقتصادی فراهم کرد. بازگشتی که کل جامعه را در بر گرفت و به نوعی جامعه را در خدمت اقتصاد قرار داد. کارشناسان اقتصادی، عموماً مستقر در سازمان برنامه، در پیوند با سیاست‌مداران عهده‌دار سامان‌دهی مجدد جامعه براساس سازوکارهای اقتصادی شدند.

خلاصه اینکه خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری دال‌های خالی بودند که با مفصل‌بندی حول دال مرکزی رشد اقتصادی نظام معنایی از توسعه شکل گرفت که در اواخر دهه ۱۳۶۰، در ایران مسلط شد. هدف اصلی «رشد اقتصادی و سازندگی بود که برای تأمین این مهم کابینه سازندگی تشکیل شد. اعضای این کابینه را تکنوکرات‌هایی تشکیل می‌دادند که با رویکردی کمتر ایدئولوژیک سعی می‌کردند به شکل واقع‌گرایانه، سیاست و اقتصاد را تعریف کنند. از این رو پیگیری رشد اقتصادی در حوزه داخلی سرلوحه برنامه‌های دولت جدید قرار گرفت» (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۶-۹). دال‌هایی مانند رشد اقتصادی، خصوصی‌سازی از دال‌هایی بودند که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی به قول لاکلا و موفه به حوزه گفتمان‌گونگی فرستاده شدند، و در زمان جنگ هشت‌ساله به‌طور کلی از صحنه توسعه‌ای و اقتصادی کشور حذف شدند. گفتمان جدید با این دلیل که کشور نیازمند خروج از رکود و مشکلات اقتصادی - از جمله عدم رشد اقتصادی و انباشت سرمایه - بود در مفصل‌بندی خود دال‌های فوق را برجسته کرد. معنا و مفهوم توسعه در گفتمان جدید حول رشد اقتصادی و تولید ثروت می‌چرخید. «باید در عرصه تولید قدم‌های مهم و اساسی برداریم» (متن شماره ۳ گفتمان رشد نولیبرالی).

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

از همان اواسط دهه هفتاد، زمانی که ارزش‌هایی مانند مشارکت مردمی، جامعه مدنی و سازوکارهای توسعه سیاسی شناخته و توسعه با چنین طرز تلقی‌هایی همراه شد، گفتمان رشد لیبرالی کاملاً به حاشیه رانده شد - نه به معنای فراموشی سازوکارهای اقتصادی مانند رشد اقتصادی - به این معنا که دال‌های اصلی گفتمان جدید این بار نه اقتصادی بلکه فرهنگی و سیاسی بودند. پس حقیقت توسعه به چیزی غیر از رشد اقتصادی تعلق گرفت. این نگرش حاکم شد که حقیقت پیشرفت در توسعه سیاسی نهفته است و نقطه شکست گفتمان رشد نولیبرالی نیز در همین نکته نهفته است.

پس آنچه از این تاریخ به بعد در قلمرو توسعه باید در گردش باشد، آزادی، جامعه مدنی، مشارکت و نظایر اینهاست چرا که رشد نولیبرالی مدتی است در عرصه توسعه بی اعتبار شده است و بدون توسعه سیاسی عملاً پیشرفتی صورت نمی‌گیرد.

آزادی سیاسی دال مرکزی گفتمان توسعه سیاسی است و دال‌های شناور آن که گفتمان مذکور آن‌ها را مفصل‌بندی کرده و نظام معنایی در باب توسعه را تشکیل داده عبارت‌اند از: قانونمندی، شهروندان، مشارکت، جامعه مدنی و تنوع اندیشه.

آزادی، دال مرکزی گفتمان اصلاحات، دالی است که در ابتدای انقلاب اسلامی ایران در شکل‌دهی به گفتمان انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته است، ولی بعد از آن تا اوایل دهه ۷۰ شدیداً به حاشیه رانده شد. هم‌زمان با شکل‌گیری گفتمان اصلاح طلب مفصل‌بندی شده و باعث تحولی عمیق در افکار عمومی و گرایش مردم به این گفتمان شد.

مدلول این آزادی و آزادی بیان در عرصه مطبوعات متجلی شد. افزایش چشم‌گیر مطبوعات و نشریات از جمله دستاوردهای این نظام معنایی است. بنابراین توسعه به معنای آزادی و بعد سیاسی دستاوردهای عینی برای جامعه به بار آورد که در عرصه مطبوعات به وضوح خود را نشان داد. حضور دال مرکزی آزادی همیشه در گفتمان توسعه سیاسی و سخنرانی رئیس جمهور وقت، خاتمی، وجود داشت و حضور همین دال است که توسعه را در این گفتمان معنا می‌بخشد. جمله «در توسعه سیاسی آنچه مهم است به رسمیت شناختن حق آزادی شهروندان است» (متن شماره ۲ گفتمان توسعه سیاسی) حاکی از همین موضوع است. هرچند واژه آزادی مکرراً در گفتمان توسعه سیاسی تکرار و مدلول توسعه تلقی می‌شود، اما سعی بر این است که آزادی به اسلام و دین پیوند زده شود، اما این بار در پوشش قرائتی جدید از دین اسلام.

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

همان‌گونه که بیان شد لاکلا و موفه از انعطاف‌پذیری رابطه دال و مدلول مفهوم هژمونی را استخراج می‌کنند. در گفتمان توسعه سیاسی چنین وانمود شد که افکار عمومی بر سر معنای دال آزادی اجماع دارند و معنای مشخصی را که همان آزادی اندیشه و بیان است، پذیرفته‌اند. بدین ترتیب دال آزادی در گفتمان فوق، هژمونیک، و در نتیجه، کل گفتمان مذکور بر محور این دال مرکزی هژمونیک شد. بنابراین دال آزادی و دال‌هایی مانند قانون هم ابزار و وسیله و هم هدف و نتیجه توسعه کشور معرفی شد.

در این زمان سازوکارهای سیاسی نه تکمیل‌کننده اقتصاد که مهم‌ترین وجه توسعه تلقی شدند. دلیل توسعه‌نیافتگی کشور فقط بی‌توجهی به مؤلفه‌های توسعه سیاسی تشخیص داده شد. بنابراین توسعه سیاسی و آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی هم ابزار و هم هدف توسعه تلقی گردید و چنین نگرشی حاکم شد که پس از انقلاب این مهم نه تنها مغفول مانده، بلکه در دوره‌های بعدی به حوزه گفتمان‌گونگی فرستاده شده است. پس گفتمان جدید، قدرت توسعه سیاسی در جامعه را متذکر و در زمانی کوتاه هژمونیک شد. چنین تلقی گردید که ارزش‌های توسعه به آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی است، نه به رشد اقتصادی. توسعه که با معیارهای کمی اقتصادی اندازه‌گیری می‌شد، حال به یک مفهوم کیفی تبدیل شد. در این زمان، ضروری بود که مدلول توسعه سیاسی به دال توسعه بچسبد. سازوکارهای توسعه سیاسی به یکی از نیازهای مهم انسان‌ها تبدیل و تارک درخشان توسعه محسوب شد، این درحالی است که در دو دهه قبلی مغفول مانده بود. انسان برای به دست آوردن همه چیز باید آزادی اندیشه داشته باشد. تحت این سازوکارهاست که اقتصاد نیز معنا می‌یابد. ارزش انسان به آگاهی و آزادی است، نه به سوداگری و محاسبات‌اش. لازم نیست همه چیز در جامعه در خدمت ثروت قرار گیرد، و نظم جامعه از طریق رشد اقتصادی محقق شود. آزادی اندیشه و بیان، بالاتر از هر ارزش دیگری تلقی می‌شود و تمام ارزش‌های توسعه می‌توانند به آن ارجاع داده شوند. بنابراین مفصل‌بندی درباره توسعه حول توسعه سیاسی شکل گرفت که دال‌های اصلی‌اش اقتصادی نبودند. آزادی‌های سیاسی، که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی رهایی از استعمار و استبداد داخلی تلقی می‌شد، این بار در حوزه اندیشه و بیان کاربرد پیدا کرد. از این‌رو، فضایی در اواخر دهه ۱۳۷۰ شکل گرفت که در آن آزادی و توسعه سیاسی گسترش یافت و بر گفتار و سخنان مردم تأثیر گذاشت. بنابراین فعالیت‌های نظام‌مندی سر بر آورد که فراسوی اقتصاد تلاش می‌کرد تا جامعه سامان دهد.

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

دال خالی در نظریه لاکلا بیانگر یک خلأ در فضای اجتماعی است. «دال‌های خالی بن‌مایه خلق اسطوره‌های جدید هستند. مفصل‌بندی گفتمان‌هایی جدید، حول دال خالی موجود در گفتمان بی‌قرار شده، شکل می‌گیرد. بنابراین دال خالی در جایگاه دال مرکزی می‌نشیند» (لاکلا، ۱۹۹۴: ۴۹). اگر گفتمان‌های مسلط در هر دوره بتوانند دال‌های خالی را تحت پوش قرار دهند، ادامه حیات می‌دهند. توسعه سیاسی دال خالی گفتمان رشد نولیبرالی بود که در گفتمان توسعه سیاسی در میان مردم گسترش یافت. طبعاً در گفتمان توسعه سیاسی، عدالت و اقشار ضعیف جامعه دال‌های خالی بودند ولی چون در این گفتمان خلأ فوق پر نشد، گفتمان توزیع نولیبرالی با مفصل‌بندی این دال‌های خالی، نظام معنایی جدیدی از توسعه ارائه داد که در اواسط دهه هشتاد، در جامعه ایران تثبیت شد.

همواره در تمام جوامع اصول عامی وجود دارد که مورد پذیرش اکثریت است، عدالت (توزیع منابع و فرصت‌ها) یکی از این اصول است. دال توزیع منابع در مفصل‌بندی‌های گفتمان رشد نولیبرالی و توسعه سیاسی قرار نداشت و به حوزه گفتمان‌گونی فرستاده شد، درحالی که تقاضا برای آن در جامعه وجود داشت. از آن‌جا که گفتمان توسعه سیاسی نتوانست خلأ دال توزیع منابع را در مفصل‌بندی خود تحت پوشش قرار دهد، دال خالی فوق، دال مرکزی گفتمانی شد که توانست جای گفتمان توسعه سیاسی را در عرصه قدرت و توسعه پر کند و آن را به حاشیه براند. بر این اساس، گفتمان توزیع نولیبرالی از این دال خالی، در اذهان مردم تصویری آرمانی پدید آورد، به‌گونه‌ای که بسیاری از گروه‌ها و افراد رفع نواقص و ایرادهای توسعه‌ای را در گرو استیلا این گفتمان می‌دانستند و به تدریج هاله‌ای آرمانی به گرد توزیع منابع تنیده شد. به‌گونه‌ای که استراتژی اصلی این گفتمان، که تحت عنوان هدفمندی یارانه‌ها نام‌گذاری شد، به تدریج علاوه بر مقبولیت در نزد روشنفکران، صاحب‌نظران توسعه و اقتصاد و... به سطح عمومی جامعه و لایه‌های زیرین اجتماعی نفوذ کرد، به نحوی که تصور اجتماعی آن این بود که با اجرای آن آینده‌ای زیباتر و بهتر از امروز شکل می‌گیرد. اسطوره عدالت (توزیع منابع) به عنوان دال مرکزی گفتمان توزیع نولیبرالی در میان مردم گسترش یافت و به خواست اکثریت جامعه تبدیل شد. بدین ترتیب، توزیع منابع به یک تصور اجتماعی مبدل و برای مدتی هژمونیک شد.

فوکو معتقد است دگرگونی در نظم گفتمان و شکل‌گیری گفتمان دیگر مستلزم ایده‌های جدید نیست بلکه ناشی از ابتکار جزئی است:

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

«یک دگرگونی در نظم گفتمان، مستلزم ایده‌های جدیدی نیست، بلکه ناشی از خلاقیت و ابتکار جزئی یک طرز تفکر متفاوت و تغییرات در کاربست و شاید در کاربست‌های مجاور و فصل‌بندی مشترکشان است» (فوکو، ۱۹۷۲: ۲۰۹).

همان‌گونه که بیان شد گفتمان توزیع منابع با استفاده از دال‌های خالی دو گفتمان دیگر نظام معنایی جدیدی را شکل داد که نه ناشی از خلاقیت این گفتمان، بلکه ناشی از خلأهایی است که در گفتمان‌های دیگر پر نشده بود.

از دال مرکزی عدالت (توزیع منابع) به معنا و مفهوم توسعه در این گفتمان دست می‌یابیم. در این گفتمان توزیع منابع باعث توسعه می‌شود، و هر توسعه‌ای باید به عدالت ختم شود، البته با معنا و مفهومی که عدالت در این گفتمان پیدا می‌کند. «اجرای عدالت یعنی دادن فرصت کافی و یکسان به همه استعدادها نه فقط به قشر و طبقه‌ای خاص» (متن شماره ۴ گفتمان توزیع نولیبرالی). این معنای عدالت بر آن است تا دال عدالت در گفتمان‌های غیر را به حاشیه براند. معنای عدالت در دو گفتمان دیگر رسیدگی به قشر و طبقه خاص بوده است و گفتمان توزیع نولیبرالی مدعی است که عدالت مد نظر او فراگیر و گسترده است. «ما می‌گوییم عدالت باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود، چون همه استعدادها شکوفا می‌شود و همه فرصت‌ها تحرک پیدا می‌کند» (متن شماره ۴ گفتمان توزیع نولیبرالی). «عدالت هم موجب شکوفایی استعدادها و هم موجب تحرک اقتصادی می‌شود و هم خدا به آن دستور داده است» (متن شماره ۳ گفتمان توزیع نولیبرالی).

بنابراین از اواسط دهه هشتاد، شرایط به گونه‌ای رقم خورد که توزیع ناعادلانه منابع و منافع مورد توجه قرار گرفت. این بار چنین نگرشی حاکم شد که سازوکارهای اقتصادی و توسعه سیاسی هیچ‌یک از فقر و طرد اجتماعی بخش عمده‌ای از جامعه ممانعت نکرده در نتیجه انحصار اقتصادی و سیاسی بزرگی به وجود آمده است. به عبارتی، توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات اقتصادی که از اهداف انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ بود، به حاشیه رانده شده و توزیع منافع و منابع در میان گروه‌های خاص، جای آن را گرفته است. گفتمان توزیعی جدید، اهتمام اصلی خود را اصلاح سازوکارهای توزیع منابع و منافع قرار داد و این‌گونه وانمود کرد که تا این مهم درست نشود، توسعه و پیشرفت رقم نخواهد خورد. گفتمان جدید توزیع منابع را عدالت نامید و آن را مقدم بر هرگونه سازوکارهای اقتصادی دیگر دانست به نحوی که با اجرای عدالت، آنگونه که خود در نظر داشت، توسعه نیز محقق می‌شد. در

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

دیدگاه جدید، گفتمان رشد و گفتمان تقدم توسعه سیاسی باعث فقیرتر شدن مستضعفان و گروه‌های زیادی از مردم شده است چرا که در گفتمان‌های مذکور از اصول اقتصاد سیاسی سایر کشورها پیروی شده است. بنابراین سایر کشورها نیز بدون عدالت توزیعی موفق نبوده‌اند. تنها راه‌حل برای جبران مشکلات اصلی مردم و جامعه توزیع منابع بین انسان‌های نیازمند است تا استعدادها، از رهگذر رفع نیازهای حداقلی، در جهت رسیدن به توسعه شکوفا شود. بنابراین تفکری عمومیت یافت که در آن نابرابری و طرد گروه‌های عمده مردم، در ذات گفتمان‌های قبلی و استراتژی‌های آن‌ها دانسته شد. به عبارتی مدلول‌های قبلی به حوزه گفتمان‌گونگی فرستاده شد و مدلول و محتوای دیگری به توسعه چسبید. در این دوره شرایط به گونه‌ای رقم خورد که توسعه دیگر تراکم ثروت و آزادی‌های سیاسی نیست، چرا که هر دوی آن‌ها درک ناقص و غیر اصیلی از توسعه ارائه کرده‌اند و توسعه کاملاً متفاوت از آن‌هاست. در این دوران استدلال بر این بود که سخن از توسعه، اقتصاد و استراتژی‌های توسعه، قبل از توزیع منابع میان گروه‌های کم‌درآمد جامعه، موجب انحصار و ناعدالتی گسترده در جامعه می‌شود. بنابراین توجه به سازوکارهای توسعه برای دستیابی به رشد اقتصادی یا توجه به جامعه مدنی قبل از توجه به فقیرترین اقشار جامعه ممنوع و غیر قابل دفاع است. گفتمان مذکور چنین استدلال می‌کرد که این همه سخن گفتن از توسعه و سازوکارهای اقتصادی، توسعه را غیر ممکن تر کرده است، زیرا آرمان انقلاب که توجه به منافع اقشار مستضعف جامعه بود، طرد شده است، پس برای پیشرفت جامعه رازی در گفتمان‌های قبلی مخفی مانده که باید از مخفی‌گاه بیرون بیاید، چیزی که به ناحق مخفی مانده و طرد شده است. بیان این راز برای سامان‌دهی جامعه ضروری و سودمند، درعین حال دشوار و خطرناک است. شکستن انحصار منابع و توزیع آن ضروری و سودمند است، چون هر اقدامی قبل از آن به نابرابری و بی‌عدالتی بیشتر منجر می‌شود و دشوار و خطرناک است، چون گروه‌هایی که از این منابع بیشترین بهره را برده‌اند، از هرگونه ترفندی برای مقابله با استراتژی توزیع منابع استفاده می‌کنند. در مدت ۱۶ سال قبل صدای عدالت (توزیع منابع) آن چنان خفیف بوده که عملاً چیزی از آن نمانده است. گفتمان جدید، بی‌توجهی به نیازهای همه انسان‌ها را مختص جوامع مدرن می‌داند. در جامعه ایران نیز متأثر از این رویکرد، توزیع منابع به حاشیه رفته است. گفتمان جدید خود را موظف کرد تا همواره درباره توزیع منابع و فرصت‌ها سخن بگوید و تمامی ارکان دولت را به اجرای آن، در هر شرایطی، موظف کرد. در این جا اهمیتی ندارد که تئوری‌های توسعه و اقتصاد خطر توزیع منابع و

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

فرصت‌ها را متذکر شوند، چرا که فی‌نفسه توجه به افشار ضعیف و شکستن انحصار منابع و فرصت‌ها از دست عده‌ای خاص، مهم‌تر از الزام‌های توسعه‌ای است. بنابراین اگر به گفتمان درآوردن توزیع منابع به حذف الزام‌های اقتصادی مدرن بینجامد، نه تنها مشکلی در سامان‌دهی جامعه ایجاد نمی‌کند، بلکه پیشرفتی از نوع دیگر را رقم می‌زند.

گفتمان جدید با تکیه بر سرمایه‌های هنگفت نفتی، دغدغه‌ای برای تولید ثروت ندارد بلکه این ثروت را که تاکنون عده‌ای خاص به آن دسترسی داشته‌اند، باید توزیع کند، زیرا انسان‌های نیازمند زیادی در گوشه و کنار جامعه هستند که لذت استفاده از این درآمدها را نچشیده‌اند. آغاز توسعه و پیشرفت، شکستن این انحصار و توزیع منابع اقتصادی است. توسعه، قلمرو رشد و سازوکارهای گسترش و تقویت جامعه مدنی و آزادی نیست. آغاز و پایان توسعه، عدالت (توزیع منابع و فرصت‌ها از رهگذر اجرای استراتژی نولیبرالی) است. با شعار توزیع منابع در میان فقرا و مستمندان است که رابطه‌ای بین گفتمان جدید (توزیع نولیبرالی) و دهه اول انقلاب برقرار می‌شود. در واقع، شباهت کمتر از آن چیزی است که گمان می‌رود. توزیع منابع در دهه اول انقلاب، در قالب یارانه‌های گسترده معنی پیدا کرد، اما این بار توزیع منابع با استفاده از یک استراتژی نولیبرالی (آزادسازی قیمت‌ها) محقق می‌شود. عنوان نولیبرالی این گفتمان ناشی از استراتژی‌ای است که برای توزیع منابع انتخاب کرده است. علاوه بر این، سازوکارهای اقتصادی در دهه اول انقلاب کمتر مورد توجه قرار گرفتند، اما در گفتمان جدید سازوکارهای اقتصادی اهمیتی وسیع یافتند. سازوکارهایی که با استفاده از آن‌ها می‌توان انحصار ثروت را از میان برد. برای بسیاری از مردم توزیع منابع می‌توانست نظم جدیدی را خلق کند، چرا که سهم عمده‌ای از ثروت توزیع خواهد شد. از منظر بسیاری، در گفتمان جدید نشانه ویژه و آشکاری وجود دارد که کارکردی عمیقاً اقتصادی و توسعه‌ای به همراه خواهد داشت، چرا که انحصار و برتری سرمایه را منسوخ و توسعه‌ای متمایز عرضه می‌کند.

بحث درباره عدالت (توزیع منابع و فرصت‌ها) به کلمات و سخنرانی‌ها محدود نشد و در فضای جامعه با یک استراتژی نولیبرالی به نام هدفمندی یارانه‌ها ادامه یافت. در دهه اول انقلاب، یارانه عدالت تلقی می‌شد و شرایط جنگی نیز به انتخاب چنین راهبردی دامن می‌زد، اکنون همه یارانه‌ها نه تنها ناعادلانه تلقی می‌شوند، بلکه مانع بزرگی در راه توسعه هستند. گفتمان توزیع نولیبرالی، آزادسازی قیمت‌ها و سپس توزیع منابع حاصل از این آزادسازی را ریشه توسعه می‌داند. این طرز تلقی،

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

باورپذیر و هژمونیک شد. بنابراین مفصل‌بندی توسعه تغییر کرد، این بار استراتژی جدید و کاملاً متفاوتی پیشنهاد شد که طرز تلقی توسعه به‌مثابه توزیع منابع را عملی ساخت.

در مفصل‌بندی گفتمان توزیع نولیبرالی در قلمرو توسعه، بیش از همه، به توزیع درآمدی توجه شد و تولید مورد توجه جدی قرار نگرفت. به عبارتی تولید دال خالی گفتمان عدالت بود که رقیب‌اناش برای به زیر کشیدن این گفتمان آن را مورد توجه قرار داده‌اند. انعکاس گسترده این موضوع را با مروری کوتاه به رسانه‌ها، در اوایل دهه نود، می‌توان به خوبی مشاهده کرد. اندیشمندان حوزه توسعه و اقتصاد، سیاست‌مداران و طیف گسترده‌ای از روشنفکران عدم توجه به تولید در گفتمان جدید را مورد توجه قرار داده‌اند.

«رئیس خانه صنعت و معدن اعلام کرد: به‌زودی در اعتراض به رها کردن وضعیت تولید از سوی دولت، سوت تعطیلی کارخانه‌ها به صدا در خواهد آمد» (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۱/۴/۲۰).

«حسین راغفر، اقتصاددان: در حال حاضر، تولید و بخش‌های تولیدی، بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. نقدینگی به ۴۰۰ هزار میلیارد تومان نزدیک شده است، اما اغلب تولیدکننده‌ها به دلیل نداشتن نقدینگی با تولید خداحافظی می‌کنند.» (روزنامه شرق، ۱۳۹۱/۶/۲۷).

«فرشاد مؤمنی، اقتصاددان: تولید به محاق رفته است» (روزنامه شرق، ۱۳۹۱/۱۰/۲۸).

«دانش جعفری، اقتصاددان و وزیر اسبق اقتصاد در دولت نهم: تولیدکننده فراموش شد» (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۱/۹/۲۹).

«علی لاریجانی، رئیس مجلس: در شرایط فعلی، تولید دچار مشکل است. به‌عنوان نمونه کشاورز نمی‌تواند با گازوئیل هشت برابری کار کند، حتی اگر یارانه بگیرد. به‌طور حتم، راه علاج بیماری گرانی و بیکاری در کشور حمایت از تولید است.» (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱/۱۰/۱۷).

به‌طور کلی می‌توان گفت، هر آنچه در هر دوره، درباره معنای توسعه و سازوکارهای آن طرد شد، دوباره در شرایطی دیگر سر برآورد. توسعه به مثابه رشد اقتصادی که از رهگذر تولید، خصوصی‌سازی و... به دست می‌آمد، در اواسط دهه هشتاد، به حاشیه رانده و به قول لاکلا و موفه به حوزه گفتمان-گونگی فرستاده شد. در اواخر دهه هشتاد، و اوایل دهه نود، توسعه به مثابه رشد اقتصادی مجدداً مطرح و به مؤلفه‌های اصلی توسعه تبدیل شد. آنچه در این اواخر، مورد سؤال قرار گرفت، میزان رشد اقتصادی، تولید و چرایی تورم بود. این طرز تلقی رواج یافت که گفتمان توزیع نولیبرالی رشد

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

اقتصادی، تولید و ثبات قیمت‌ها را از میان برد و همه آنها را صرف رؤیای توزیع منابع کرد. یک‌باره حجم عظیمی از گفته‌ها درباره توسعه، به‌مثابه رشد، از رهگذر تولید و بخش خصوصی به جامعه وارد شد، کارشناسان و مسئولان پیش آمدند تا در مورد آن سخن بگویند و انحراف گفتمان توزیع نولیبرالی را محکوم کنند و به‌جای آن، مؤلفه‌های اصلی توسعه را بیان کنند، یعنی همان مؤلفه‌هایی که قبلاً وجود داشت و گفتمان جدید آنها را طرد کرده بود.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه نشان دادیم که چگونه گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی، با مفصل‌بندی عناصر مختلف حول یک دال مرکزی شکل گرفتند. گفتمان‌های توسعه در رابطه و اغلب در تخاصم با یکدیگر به توسعه، هویتی متفاوت و اغلب متضاد داده‌اند. به عبارتی، تحولات گفتمان‌های توسعه با طرد مؤلفه‌ها و مفاهیم دهه اول انقلاب شروع شد. با شکل‌گیری مجدد توسعه در اواسط دهه شصت، گفتمان‌ها به غیریت‌سازی پرداختند، به‌نحوی که سه گفتمان هم‌مومن در قلمرو توسعه شکل گرفت. گفتمان رشد نولیبرالی با مفصل‌بندی عناصری از نظریه نولیبرالیسم حول رشد اقتصادی در نقطه مخالف با دهه اول انقلاب قرار گرفت و در ابتدا توانست در نزد اغلب سیاست‌مداران و کارشناسان اقتصادی، مقبولیت یابد، ولی به تدریج ساختارشکنی از آن آغاز شد و در نهایت با برجسته‌سازی دال خالی آن، یعنی آزادی‌های سیاسی، توسط گفتمانی دیگر در اواسط دهه هفتاد، به حاشیه رانده شد. گفتمان توسعه سیاسی معنای متفاوتی به توسعه بخشید و آن را گسترش سازوکارهای آزادی سیاسی معنا کرد. در این گفتمان هرگونه معنابخشی به توسعه که سازوکارهای آزادی سیاسی و جامعه مدنی را نادیده گیرد، بیهوده تلقی می‌شود، چرا که به توسعه از بالا به پایین و اقتدارگرایی منجر می‌شود. توزیع منابع، دال گفتمان دیگری با عنوان توزیع نولیبرالی بود که یک بار دیگر در اواسط دهه هشتاد، توسعه را در عرصه اقتصادی معنا کرد، اما این بار حول توزیع منابع و نه رشد اقتصادی. وارداتی بودن مفهوم توسعه و انحصار منابع در گفتمان‌های دیگر دو گزاره‌ای بود که گفتمان توزیع نولیبرالی برای غیریت‌سازی و تخاصم با دو گفتمان قبلی به کار برد و بدین طریق سعی کرد شیوه‌های دیگر را به حاشیه براند. این گفتمان، تخاصم با گفتمان‌های دیگر را در حد دوست/ دشمنی وسعت داد.

تحولات معنای توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران ...

به هر ترتیب آنتاگونیسم (تخاصم) بر سر هویت بخشی به توسعه خصلت آشکار گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی بوده است. و نمی‌توان آنتاگونیسم را در تحلیل تحولات توسعه پس از انقلاب نفی کرد. نتیجه اینکه عنصر تعیین کننده تحولات توسعه پس از انقلاب منازعه بوده است. در قلمرو توسعه پس از انقلاب، هویت ما و آن‌هایی شکل گرفته است. مایی و آن‌هایی که کاملاً همدیگر را طرد می‌کنند و هویت خود را در کنارگذاری دیگری می‌یابند. علاوه بر این توسعه امری سیاسی است. سیاسی به معنای انتخاب یک شیوه از توسعه و طرد سایر معانی و شیوه‌ها. هر انتخابی از مفهوم توسعه، سیاسی و محل مجادله است.

یادداشت‌ها

- (۱) سخنرانی محمود احمدی نژاد ۱۳۸۸/۲/۲۰.
- (۲) سخنرانی محمود احمدی نژاد ۱۳۸۷/۸/۲۸.
- (۳) سخنرانی محمود احمدی نژاد ۱۳۸۴/۷/۳۰.
- (۴) سخنرانی محمود احمدی نژاد ۱۳۸۴/۹/۱۳.
- (۵) سخنرانی محمود احمدی نژاد ۱۳۸۴/۸/۱۹.
- (۶) سخنرانی سید محمد خاتمی در یزد ۱۳۷۶/۸/۸.
- (۷) سخنرانی سید محمد خاتمی در دیدار با معاونین وزارت کشور ۱۳۷۷/۳/۲۹.
- (۸) سخنرانی سید محمد خاتمی در شورای اداری استان یزد ۱۳۷۶/۸/۸.
- (۹) سخنرانی سید محمد خاتمی ۱۳۷۷/۱/۱۳.
- (۱۰) سخنرانی سید محمد خاتمی در مراسم روز کارگر ۱۳۷۷/۲/۹.
- (۱۱) سخنرانی هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۷/۸/۲۶.
- (۱۲) سخنرانی هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۷/۸/۲۶.
- (۱۳) سخنرانی هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۷/۸/۲۶.

منابع و مأخذ

احمدی امویی، بهمن (۱۳۸۵). *اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی* (مصاحبه با عزت‌الله سبحانی، محسن نوربخش، حسین عادل، مسعود روغنی زنجانی، مسعود نیلی، محمد علی نجفی). تهران: گام نو.
ازغندی، علی‌رضا (۱۳۸۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر قومس.

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir

توسعه روستایی، دوره ششم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کیهان.
- دانش جعفری، داوود (۱۳۹۱). تولیدکننده فراموش شد. *روزنامه اعتماد*، شماره ۲۵۷۲، ۱۳۹۱/۹/۲۹: ۵.
- روزنامه ایران* ۱۳ تیرماه ۱۳۹۲ (سخنان رئیس جمهور وقت در برنامه تلویزیونی و گفت و گو با مردم ۱۲ تیرماه ۱۳۹۲). *روزنامه اعتماد*، ۱۳۹۱/۴/۲۰، *روزنامه شرق*، ۱۳۹۱/۶/۲۷، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ۱۳۹۱/۱۰/۱۷.
- حسین‌زاده، محمد علی (۱۳۸۶). *گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سحابی، عزت‌الله (۱۳۷۹). *دغدغه‌های فردای ایران*. تهران: انتشارات قلم.
- طالب، مهدی (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی روستایی با تاکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۲). فوکو و دیرینه‌شناسی دانش: روایت تاریخ علوم انسانی از نوزایی تا مابعد تجدد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مک‌دانل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسنعلی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۱). تولید به محاق رفته است. *روزنامه شرق*، شماره ۱۶۵۰، ۱۳۹۱/۱۰/۲۸: ۱.
- میلز، سارا (۱۳۸۲). *گفتمان*، ترجمه فتح محمدی. تهران: نشر هزاره سوم.
- هوارث، دیوید (۱۳۷۷). *نظریه گفتمان*. ترجمه سید علی اصغر سلطانی. *فصلنامه علوم سیاسی*. شماره ۲.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

Foucault, M. (1972). *The Archaeology of knowledge*. London: routledge.

Jorgensen M. & Philipa L. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. London: sage publication.

Laclau E & Muffe C. (1985). *Hegemony and socialist strategy: toward a radical democratic politics*. translated by Winston Moore and Paul cammack, London: verso.

Laclau, E. (1990). *New Reflection on the revolution of our Tim*. lodon: verso.

Laclau, E. (1992). Discourse, a paper presented in Essex University (UK) p.1

Laclau, E. (1994). *Minding the gap: the subject of politics, in E. laclau (Ed) The making of political Identities*. London: verso.

Muffe, C. (1997). *Democratic Identity and pluralist politics*. In Ron bontekoo and (Eds) Justic and Democracy, Hawaii: Honolulu university press.

Pecheux, Michel (1982). *Language Semantics and Ideology*. Macmillan Basingstoke, (first published in French in 1975).

Journal of Rural Development

Editor-in-Chief: Dr. Mehdi Taleb Director: Dr. Younes Nourbakhsh

Managing Editor: Hassan Bakhshizadeh Index: www.ISC.gov.ir & www.ricest.ac.ir

Copyright: Faculty of Social Sciences, University of Tehran

ISSN: 2008-8981 Website: www.jrd.ut.ac.ir Email: jrd@ut.ac.ir